

”پنج خصلت جادویی“

از ”یوخن پاولوس“، مجله علمی آلمانی ”روانکاوای امروز“ دفتر شش ”کمپاکت“
Psychologie Heute, Compact, Heft 6

مترجم مهندس جواد ولدان

www.Iran-Azad.De

Info@iran-azad.de

در اینجا این ”پنج خصلت بزرگ“ شکافته و توصیف می شوند. این قسمت مکمل مقاله ”پنج خصلت اصلی: آیا این خصوصیات اساس حقیقی شخصیت را تشکیل می دهند؟“ از همین نویسنده و همین منبع می باشد، که قبلاً ترجمه کرده ام. مترجم

عصیت

در سده هجدهم میلادی کوشش گردید مشکلات و ناراحتی های روانی را به اعصاب ناسالم در ارتباط آورند، که این امر به یافتن و کاربرد واژه ”عصیت“ (یا ”عصبی بودن“ و ”عصبانیت“ به مفهوم و شکل حاد آن و بعنوان بیماری) منجر گردید. بعدها فریود این واژه را در تئوری های روانشناختی خود برای اختلالات و ناراحتی ها معینی همانند ”ترس ها“ بکار گرفت. امروزه اما به هنگامی که روانکاوان شخصیت از این کلمه یاد می کنند، سعی و منظوری به بیان اینگونه توضیحات و مشروحات تخصصی ندارند. به زبان ساده عصیت به مفهوم وجود عدم تعادل در احساسات و درون است. فردی که در تست های ویژه ای که به این منظور انجام می شود، به کسب نمرات و ارزش های بالا نائل آید، عصبی است، به داشتن ”ترس ها“ و استرس تمایل دارد، زیاد غم و غصه می خورد، به سادگی از کوره در می رود و متمایل به خیالبافی در بیمار بودن است، یعنی مدام بیماری های تازه ای در خود کشف می کند. اشخاص بسیار عصبی اغلب خواهان کسب بی قید و شرط یک چیز می باشند، اهداف غیرواقعی را دنبال می کنند و با مشکلات بد کنار می آیند.

برخلاف آنها انسانهایی که از عصیت کمتری برخوردارند، خوشنودتر و دارای اعتماد به نفس بهتری هستند. اینان میلی به تشنج و از کوره در رفتن نداشته و حتی در مواقع خطر و مشکل آرامش خویش را حفظ می نمایند.

محققین ”پنج خصلت اصلی“ آقایان پاول کوستا و روبرت مک کر برای هر کدام از این پنج خصلت بزرگ خصائل فرعی و جنبی متعلق به آنها را زیرنویسی می نمایند. این خصائل جنبی و زیرگروهی برای عصیت بدین ترتیب نامیده می شوند: ترس، ترس همراه با دشمنیت (یعنی ترسی که همراه با دشمنی باشد)، افسردگی، معذوریات و دریند بودن، مهیج بودن، قابلیت جریحه داری (داشتن).

برون گرایی (معاشرتی و داشتن علاقه به محیط پیرامون)

طرح و پیشنهاد این خصوصیت تا به زمان روانکاو معروف س. گ. یونگ بر می گردد، بنابراین طرح افراد برون گرا را ذات و سرشت ”کنارآمدن آنها با افراد و محیط اطرافشان“ متمایز می نماید. آنها به سادگی تماس، رابطه و دوستی با محیط آغاز می کنند. آنها همچنین در مواقع و حالات مجهول و ناآشنا جرئت پیشروی به خود می

دهند، در حالیکه فردی که از نظر شخصیتی در نقطه مقابل قرار می‌گیرد، یعنی یک فرد درون‌گرا و گوشه‌گیر بوسیله سرشت کند و تنبل، عکس‌العملی و محافظه‌گرانه و ترسو خود در چشم می‌زند. در حالیکه قبلاً افراد برون‌گرا در مقابل افراد درون‌گرا و گوشه‌گیر بعنوان مهیج و تهاجمی و غیرقابل اعتماد اعتبار داشتند، در این میان تصویری که از آنان در ذهن می‌آید، بوضوح به درجات مثبت ارتقا یافته است.

آنها از توانایی داشتن احساسات گرم و صمیمانه در برابر دیگران برخوردارند و ارزش بسیاری برای روابط نزدیک قائلند. آنها به سرگرم کردن دیگران می‌پردازند و با علاقه نقل مجلس می‌شوند. این اشخاص رهبری و مسئولیت بعهد می‌گیرند و با علاقه توانایی اخذ تصمیم‌گیری را دارند. برای رسیدن به اهداف خویش به سختی و طولانی کار میکنند. افراد برون‌گرا دارای انرژی فراوانی هستند، از علائق زیادی برخوردارند و یک زندگی با ریتم سریع را ترجیح می‌دهند.

آنها دارای استعداد لذت بردن از زندگی بوده - غالباً آنچنان دارای احساسات مثبت در زندگی و در رابطه با آن می‌باشند، که حتی یکی از محققین پیشنهاد نمود، که برای این گروه از انسانها بجای واژه "برون‌گرائی" از واژه "احساسات مثبت" گفتگو شود. برخی از دانشمندان حتی فرض را بر این می‌گذارند که در افراد برون‌گرا بخشهایی از مغز که مسئول فعالیت و پاداش هستند به شکل ویژه‌ای برتری و تمایز یافته اند.

قابل تحمل بودن

بررسی این خصلت نشان می‌دهد که یک فرد در باره شخص دیگر چگونه می‌اندیشد، در برابر دیگری از چه احساساتی برخوردار است و رفتار و کردارش با دیگران چگونه است. اگر یک محور افقی اعداد را در نظر بگیرید، می‌توان چنین تصور نمود که در یک سر این محور همدردی و احساس مشترک قرار گرفته باشد و در انتهای دیگر آن دشمنی و ستیزه‌جویی باشد. انسانهای با خصلت "قابل تحمل بودن" اشخاص مطبوعی هستند. آنها دارای قلبی مهربان، طبیعتی خوش و مطبوع، در راه مستقیم گام بر می‌دارند، به هنگام نیاز به یاری دیگران می‌شتابند و اگر احتیاج باشد از بخشش و گذشت برخوردارند. آنها به دیگران اعتماد می‌کنند، آنچه که بدون تردید هم می‌تواند یک نقطه ضعف باشد، زیرا که بدین وسیله به سادگی مورد کلاهبرداری قرار می‌گیرند. اشخاص با این خصوصیت مسلماً یک کمی‌سار جنائی درجه یک و یا یک حسابگر و کنترل‌کننده مالیاتی ایده‌آلی از آب درنخواهند آمد.

فردی که کمتر از این خصلت برخوردار باشد، همکار و همراه خوبی نیست، برخورد متین‌ی ندارد، بی‌اعتماد است، طعنه‌زن است، زود از کوره در می‌رود، انتقام‌جو، بدون گذشت و ملاحظه، و شخصی است که به تحمیل دیگران می‌پردازد.

آقایان کوستا و مک کر خصلتهای شکسته‌نفسی، نودوستی و اندیشه به دیگران، صبوری و شنوایی داشتن از دیگران را از خصائل جانبی و فرعی این خصوصیت بزرگ و اصلی می‌شناسند.

با وجدان بودن

درجه وجدان و خودآگاهی یک فرد نشان‌دهنده آن است، که تا چه اندازه آن فرد قابل اعتماد بوده و با سخت‌کوشی در شغل خود و در راه رسیدن به اهداف خویش تلاش می‌ورزد. انسانهای با وجدان دارای توقعات بالا بوده و نامنظم و سربه‌هوا و سطحی

نیستند. آنان با دیسیپلین و سازمان یافته کاری را آغاز می نمایند، با دقت و منظم کار می کنند و از پشتکار و استقامت برخوردارند. خصائل جانبی از قبیل توانایی و مسئولیت، نظم، وظیفه شناسی، پشتکاری، دیسیپلین و دقت و مواظبت از خصوصیات فرعی و جانبی این خصلت اصلی محسوب می گردند. افرادی که کمتر از این خصلت برخوردار باشند، بدون برنامه عمل می کنند، به تنبلی گرایش دارند و به سرعت از کار زده و مایوس می شوند و خود را با علاقه بیشتر سرگرم جنبه مطبوع و خوش زندگی می کنند.

با وجدان بودن خصلتی است، که برای فریود و تحقیقات علمی او "من مافوق" مسئول این خصوصیت بود. این خصلت با کنترل و حسابرسی کار می کند و تصادفی نیست که نام و عبارتی که برای توصیف این خصلت برگزیده شده دارای واژه "وجدان" می باشد. کارفرماها ارج بزرگی برای این خصوصیت قائل می گردند. اما همانطور که فریود قبلاً هم می دانسته است برخورداری بیش از اندازه از این خصلت همانطور مشکل آفرین است که نصیب کم از آن: آدمی می تواند بیش از اندازه دقیق و از اینرو خشک و غیرقابل انعطاف گردد. از طرف دیگر بهره داشتن از یک حداقل از این خصلت برای زندگی مشترک الزامی است، زیرا که انسانها در بسیاری از مسائل و وظائف به یکدیگر محتاج و متکی هستند و باید بتوانند خود را به اتکای یکدیگر رها کرده و به هم اعتماد کنند.

باز بودن برای تجارب نو

این خصلت از جنجال بر انگیزترین فاکتور خصائل پنجگانه است، حتی نام آن مورد دعوا و اختلاف است. برخی دیگر از دانشمندان این خصلت را "ذکاوت" می نامند. اما قدر مسلم آن است که این خصلت ربطی به هوش و ذکاوت ندارد. اگر چه کنجکاوی روشنفکری و هوشمندی بدان تعلق دارد، اما فردی که برای تجارب نو باز باشد، علاقمند به بسیاری از مقولات و چیزها می باشد. وی کنجکاوی ایده های اصیل و ناب بوده، با علاقه غذاهای جدید را امتحان می کند و به اماکنی که تا کنون ندیده است مسافرت می کند. همچنین علاقه به معنویات، افکار و مقولات اسرار آمیز و حتی احضار ارواح می تواند از علائق و مقولات شخصی فردی باشد که دارای این خصلت است. هنرمندانی که جهان را به طریقی کاملاً نو به نمایش می گذارند، این رگه و خصلت شخصیتی را از همه بهتر به تماشا می گذارند.

بر خلاف این انسانهایی که کمتر از این خصلت بهره گرفته باشند، واقع بین تر و به مقررات و قواعد و عرفیات جامعه معتقدترند. اینگونه اشخاص از نظر سیاسی در جبهه محافظه کاران قرار می گیرند. آقای مک کر چنین استدلال می کند که دقیقاً به خاطر همین کمبود خصلت باز بودن برای تجارب نو در یک فرد است که وی محافظه کار (یا مرتجع) می گردد. عدم وجود این خصلت در نزد یک شخص نه تنها باعث می شود که او به اشکال سنتی حکومت و سیاست گرایش یابد، بلکه عدم وجود این خصلت در یک فرد مسئول عدم علاقه فرد به هنر نو و شجاعتمند هم می گردد. حتی مجسمه "داوود" میکلائو برای او مطمئن و غیرقابل قبول می نماید، زیرا که هیکل لخت او را به نمایش می گذارد. بر خلاف این، انسانهای باز و معاشرتی مقررات و قواعد خشک و سلسله مراتب قدرت و ریاست طلبی را هم در هنر و هم در سیاست رد می کنند.